

زندگانی حضرت رضا علیه السلام

حاج سید زین العابدین سبزواری

مقام علمی حضرت رضا علیه السلام

قسمتی از احتجاجات علمی حضرت رضا (ع) در شماره‌های قبل گذشت، و چنانکه کرارا متذکر شدیم مقام علمی و سایر کمالات آنحضرت امری است که دوست و دشمن آنرا قبول داشته و هیچکس نتوانسته است آنرا انکار کند. عقیده شیعه نسبت به پیشوایان مذهبی (ائمه معصومین) خود همانستکه بعد از مقام نبوت آنها از همه مردم اعلم هستند و در زهد و تقوی احدی بیابا آنها نمیرسد، چنانکه معصوم از خطا و گناه نیز هستند آنها در این جهت بایکدیگر هیچگونه اختلافی نداشته و اینکه از بعضی از آنها معلومات بیشتر بروز و ظهور کرده و آثار علمی باقیمانده است و از بعضی کمتر علت آن مقتضیات زمان و استعداد مرد می بوده است که در دوران زندگی هر یک بسر میبرده‌اند، مثلاً در روزگار زندگانی حضرت باقر (امام پنجم) و امام ششم ما حضرت صادق (ع) چون دشمنان و رقبای آنها بر سر خلافت کشمکش داشتند مردم بیشتر توانستند از وجود آنها استفاده علمی کنند، و بهمین جهت در مکتب علمی آن دو بزرگوار شاگردانی دانشمند تربیت یافته و اصول اربعه در نتیجه مساعی آنها بعداً تدوین گردید: ضمناً باید گفت که در خلافت بنی امیه کیفیت مبارزه با ائمه صورت دیگری داشت زیرا دشمنی آنان عداوتی موروث بود و با اساس دین مقدس اسلام و شخص پیغمبر مخالف بودند و اگر چه نمیتوانستند همیشه اوقات نیات پلید خود را علنی سازند ولی گاهگاه از گفتار و کردارشان آشکار میگشت همچنانکه یزید در مجلس عام باصراحت گفت «نه خبری آمده و نه وحی نازل گشته است» و نیز ولید قرآن را پاره کرده بآن خطاب نمود «وقتی پروردگارت را در روز قیامت دیدار کردی بگویی ولید مرا پاره پاره کرده» و باز عمال عبدالملک روی منابر میگفتند محمد (ص) فرستاده خداست و عبدالملک جانشینش و پیداست که مقام جانشین برتر از فرستاده است. ابن عباس میگفت منظور اصلی بنی امیه از سب امیرالمؤمنین (ع) دشنام بخود پیغمبر بود و در هر حال دشمنی بنی امیه نسبت بخاندان پیغمبر (ص) با دشمنی بنی عباس با آنها متفاوت بود ولی مبارزه

آنها بیشتر با زور و پول و تهدید و تطمیع بود و چون علوم اسلامی بسط نیافته بود و حوزه‌های دینی و مکاتب علمی و مذاهب فقهی بوجود نیامده بود مبارزه علمی با ائمه بصورتیکه در دوره بنی‌عباس معمول گردید جریان نیافت در صورتیکه بنی‌العباس که خلافت آنها از زمان ابراهیم (امام) وسفاح و منصور در اثنای فرزندانشان محمد بن علی بن عبدالله بن عباس شروع شده و معاصر امام ششم ما بوده‌اند علاوه بر امر خلافت از رفت و آمد مردم بنزد امام و نشر حقائق علمی و مذهبی از ناحیه آنها نیز جلوگیری مینمودند چنانکه اشخاصی را هم در مقابل آنها و اداریه مخالفت و مزاحمت کردند. ابراهیم امام و بعد از او برادرش عبدالله سفاح که بخلاف رسیدند با حضرت صادق مدارا داشتند، اما همینکه نوبت خلافت بمنصور رسید بنای اذیت و آزار را گذاشته و بالاخره بکلی در خانه حضرتش را بروی شاگردان او و همه کسانی که حتی میخواستند مسائل حلال و حرام خود را بپرسند بست و روزگار حضرت موسی بن جعفر (ع) هم که چندی معاصر مهدی عباسی و بعد از او مصادف با خلافت هارون الرشید بود بهمین طورها گذشت. خوشبختانه زمان امامت حضرت رضا (ع) وضع تغییر یافت چه آنکه پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر (ع) تا آخر ایام زندگانی حضرت رضا (ع) که مدت آن بیست سال بطول انجامید هیچگونه مانعی از جهت نشر علم و حقائق دینی جهت حضرتش در بین نبود. از این مدت در حدود پانزده سال حضرت رضا معاصر هارون گردید و بقیه زندگانی آنحضرت در عهد خلافت امین و مامون اتفاق افتاد. اما در زمان هارون اگر چه عمال بنی‌العباس مخصوصاً در مدینه مراقبت شدید از اعمال و رفتار بنی‌هاشم مینمودند معذک حضرت رضا (ع) آزادانه در مسجد پیغمبر اکرم (ص) مینشست و مردم دسته دسته بنزد او میامدند تا از معارف و حقایق دینی و مسائل شرعی آگاه شوند. بعد از آمدن حضرت رضا (ع) بخراسان و قبول ولایت عهد دیگر هیچگونه رادع و مانعی جهت افاضه علوم شرعی و غیره برای آنحضرت وجود نداشت. و چنانکه دیدیم خود مامون مجالس بزرگ ترتیب میداد که مقام فضل و بزرگواری حضرت رضا (ع) را بر مردم معلوم و مشهود کند. بهمین مناسبت از حضرت رضا (ع) آثاری گرانها علاوه بر آنچه مانند سایر ائمه هداة در باره مسائل شرعی باقی مانده مجموعه‌های نفیس مانند رساله ذهبیه در طب و فقه الرضا بجا مانده است رساله ذهبیه را حضرت رضا (ع) بنا بآستندای خلیفه مرقوم فرمود.

مامون با آنکه بزرگترین اطباء آن عصر را چون جبرئیل بن بختیشوع، یوحنا بن امویة، صالح بن سهل هندی و یکی دو نفر دیگر در دربار خود موظف داشت باز

جهت حفظ صحت و تندرستی خود از حضرت رضا خواهش نمود که دستور جامعی در این باره برای او تدوین فرماید مخصوصاً که میدید همین اطباء عالیه‌مقام در برابر کلیه کمالات آنحضرت و بخصوص نسبت بعلم از وی کوچکی دارند حضرت رضا با آنکه بر حسب ظاهر و بعقیده عامه درس طب را نزد استاد ندیده بود گویا واقماً واقف بخواص همه داروها و نباتات و انواع خوراکیها و مایعات بوده و بهمین جهت آنچه را که باین عنوان برای شخص مامون شرح میدهند مانند يك دستور کلی و منطقی است که بعداً بطب الرضا شهرت یافته است .

باید دانست که فرمایشات ائمه مادر هر موقع و زمانی تاثیرات خاصی در برداشته و بسا باشد که در اثر پیشرفتهای روز افزون علم باز روزگاریها بگذرد که این دستورات و تاثیر آنها را دانشمندان و اطباء بزرگ پس از آمایشها متوجه گردند . بعلاوه ممکن است حضرت این دستورات را طبق مزاج مامون و محیطی که در آن بسر میبردده است نوشته باشند که هیچ دونه‌ای طبع و مزاج متساوی نبوده و حالات مختلف دارند . چنانکه میبینیم مثلاً يك دارو در مزاجی کاملاً مؤثر و در مزاج شخصی دیگر آن تاثیر را ندارد بنابراین نباید چنین تصور نمود که بدون مراجعه بطیبب هر شخصی دارای هر مزاج و در هر محیط باشد میتواند بآنها عمل کند بهر حال رساله مزبور در نظر مامون بقدری جالب آمد که دستورداد آنرا باب طلائوشتمند بهمین جهت این رساله را (رساله ذهبیه) گفته‌اند .

رساله ذهبیه که گاه هم در لسان بزرگان از آن بنام طب الرضا یاد شده گویا در انتساب آن بحضرت رضا (ع) و صحت آن تردیدی نباشد، و بنا بگفته شیخ بهاء شخصی بنام حسن بن محمد بن جمهور که از مدینه تاخراسان ملازم حضرت رضا (ع) بوده است نقل نموده که مامون با آنکه خود مردی دانشمند و از علوم مختلف بهره مند بوده است و بعلاوه دارای پزشکان مجرب هم بوده باز از حضرت رضا (ع) خواهش کرد که دستور جامعی جهت حفظ صحت و استقامت مزاج او بدهد .

بزرگان دیگر چون شیخ طوسی (شیخ الطائفه) ، ابن شهر آشوب ، نجاشی مجلسی در بحار و بسیاری از محدثین معروف آنرا نقل و مستند خود را همین شخص (حسن بن محمد بن جمهور بصری) قرار داده‌اند .

علامه مجلسی در بحار الانوار همین رساله را نقل کرده و برای آن تفصیلی آورده است . او همچنین گوید که رساله ذهبیه را بخط علامه استاد شیخ نورالدین علی بن عبدالعلی کرکی (محقق ثانی) دیدم و در مؤلفات بعضی از علماء و ارباب فضل

برای رساله ذهبیه دوسند بدست آوردم آنگاه هر دوسند خود را بدین تفصیل توضیح میدهد
موسی بن علی بن جابر سلامی گوید که خبر داد مرا شیخ **سدیدالدین یحیی بن**
محمد بن غلیان خازن راو گوید که من شنیدم از **ابو محمد حسن بن جمهور** او از پدرش،
و نیز **هارون ابن موسی تلعبری** گوید من از **هشام بن سهل** شنیدم که او گوید من از
حسن بن محمد بن جمهور او از پدرش که گفت مامون در مرو یا در شهر نیشابور
با حضرت علی ابن موسی (ع) نشسته بودند و جمعی از اطباء معروف چون **یوحنا بن**
ماسویه رجبرئیل بن بختیشوع و صالح بن بلهه هندی در خدمت آنها حضور داشتند،
مامون با آنها از طب و خواص ادویه و کیفیت ترکیب آنها و تاثیر در بدن انسان و نفع
انواع غذاها و اسباب بروز بیماریها گفتگو میکرد

در همه این مقالات حضرت رضا سخنی نفرمود ، بالاخره مامون اظهار داشت یا
ابا الحسن شما در اینخصوص چه میفرمائید، حضرت رضا (ع) فرمود در این باره من آزمایشها
دارم که برود ایام صحت و سقم آنها بر من ثابت گردیده است . از آنجمله مطالبی
است که دانستن آنها ضروری است و من آنها که ممکن باشد برای تو جمع آوری و
تسلیم میکنم و در همین موقع مامون عازم بلخ بود و چون بشهر مزبور رسید نامه ای
بحضرت نوشت و از وی دستوری در چگونگی تدبیر غذاها و انواع ادویه و سایر امور
مانند حجامت ، فصد ، استحمام ، مسواک ، تنویر و بسی چیزهای دیگر درخواست نمود
حضرت رضا (ع) پاسخ مامون راضی رساله ای مرقوم داشته و جهت مامون ببلخ فرستادند
این رساله همان است که امروز بنام **طب الرضا** معروف شده است . دیگر از آثار
گرانبهای علمی که از حضرت رضا (ع) بیادگار مانده است **کتاب فقه الرضا** میباشد
که امروز ماخذ و مدرک بسیاری از احکام شرعی ما قرار گرفته و بآن عمل مینمایند .
در سند فقه الرضا و صحت و سقم آن بین علماء اختلاف است اما رویهمرفته اغلب بزرگان
بآن عمل نموده اند مخصوصا در مسائل چندی که اصل حکم گویا نزد علماء مسالم
شناخته شده است چون تحقیق کامل شود مدرک کی جز فقه الرضا (ع) برای آنها یافت نشده
و باین ترتیب شاید همانها که در صحت و سقم اخبار فقه الرضا (ع) تردید و توقف نموده اند
خود بآن عمل کنند .

از جمله تخفیر مسافر در موطن اربعه (مسجد الحرام ، مسجد النبی ، مسجد کوفه
و حائر حسینی (ع)) بین قصر یا اتمام نماز از مسألی که مدرک فقه الرضا باشد چه چنین
مغیر بودن مشتری در خیاب عیب بین ارزش و یارد آن به بسایع فقط از فقه الرضا نقل
شده و بزرگان ما هم بآن عمل نموده اند . بهر حال از حضرت رضا (ع) آثار گرانبهای
دیگر باقی و بجا مانده است که برای دانستن همه سخنان آنحضرت به کتابهای مشروح
و مفصل باید مراجعه نمود .